

عقل سرخ و عباى سفید



مهدیجعفر باخفی نویسنده محقق و چهره ماندگار ادبیات فارسی

زنده یاد استاد محمدرضا حکیمی که درود خدا بر او باد حکیم و عالم دانشمندی به تمام معنا وارسته و تارک مادیات دنیوی بود. اهل رفت و آمد نبود، از همین بابت هم افراد بسیار انگشت‌شماری

شانس بهر‌همندی مستقیم از حضورش را داشتند. به ندرت در محافل دیده می‌شد. نخستین آشنایی‌ام با او به ۵۵ سال قبل بازمی‌گردد که بواسطه مطالعه آثارش شکل گرفت. دهه چهل و در سال‌های دانشجویی‌ام در مقطع کارشناسی با نوشته‌های استاد حکیمی آشنا شدم؛ یکی- دو کتاب از وی را خواندم که برای جوانی همچون من که علاقه‌مندی‌های دینی داشتم بسیار جالب توجه بودند. آن دو کتاب که سبب آشنایی‌ام با استاد حکیمی شدند به گمانم تجدید چاپ شده و در دسترس هستند؛ «سرود جهش‌ها» و «فریاد روزها».

هر دو نثری بسیار دل‌انگیز و زیبا داشتند و این در حالی است که استاد آن روزها هنوز طلبه جوانی بود. با اینکه هنوز به تجربه‌چندانی دست نیافته بود اما مسائل دینی را به زبانی بیان کرده بود که برای جوانانی نظیر من بسیار اثرگذار بود. بعدتر، در دهه پنجاه وقتی به معلمی مشغول شدم برای دانش‌آموزان از این دو کتاب تکلیف می‌گفتم تا با نثر اعجاب‌انگیز و نکات تأمل‌برانگیز آنها آشنا شوند و توصیه می‌کردم که با آثار استاد حکیمی خوش نوشتن و نویسندگی را بیاموزند. در آستانه انقلاب کتاب ارزشمند «تفسیر آفتاب» از ایشان روانه بازار نشر شد، کتابی که بی‌تردید اغلب انقلابیون و از سویی دوستداران مسائل دینی آن را خواندند. شاید بر اساس شرایط امروز نشرمان برای‌تان عجیب باشد اگر بگویم «تفسیر آفتاب» در سال ۵۷ با چه تیراژی منتشر شد. این کتاب که هم‌اکنون مقابلم روی میز است در ۵۰ هزار نسخه منتشر شد. درست برخلاف حالا که باوجود افزایش قابل توجه جمعیت، تیراژ کتاب‌ها به پنجاه و یا یکصد نسخه رسیده‌اند.«خورشید مغرب» نیز همین طور بود؛ آن‌هم در تیراژ بیست هزار نسخه‌ای منتشر شد. زمینه اصلی کار ایشان بر تعالیم شیعه و بویژه میحث انتظار و امام زمان(ع) بود. یکی دیگر از ویژگی‌های

شارح شایسته مکتب تفکیک



عبدالجبار کلانکی شاعر

را مورد تشکیک قرار می‌دهد. مکتب تفکیک کمک می‌کند به وضوح دریافت نظریات روانی و قرآنی‌اش. از اینها بگذریم نگاه هوشمندانه این بزرگوار به عملی کردن آموزه‌های نظری و زندگی زاهدانه در روزگار ما بسیار مغتنم بود. یادش گرامی باد.

حکیم در آینه آثارش



یدالله عسحدی مدیر انتشارات «دلیل ماه»

زنده یاد استاد محمدرضا حکیمی طی زندگی پر بار و پر برکتش تلاش کرد تا از همه امور به جهاتی به دور و پنهان باشد و اغلب وقت و تمرکز خود را صرف تولید آثار و رسالتی که برعهده داشت کرده بود و براین اساس معرفت استاد حکیمی در آثارش آشکار است و من نیز به واسطه این آثار به شناخت ایشان رسیدم. مجموعه آثاری که مهمترین آن کتاب «الحیات» است در دوازده جلد چاپ و منتشر شده است. این کتاب ارزشمند که مجموعه‌ای از معارف اسلامی بوده و در زمینه اقتصاد اسلامی است با همت و تلاش سه برادر بزرگوار استاد محمدرضا حکیمی، آقا شیخ محمد و آقا شیخ علی حکیمی در مدت زمان ۴۰ سال جمع آوری شده است و یک دایرةالمعارف بزرگ اسلامی محسوب می‌شود که بر مبنای قرآن و روایات اهل بیت بوده و همچنین مسائل مختلف مذهبی در آن بیان شده است چرا که به گفته ایشان یک زمان به این امر متهم بودیم اسلام برنامه اقتصادی ندارد و این کتاب بیانگر مسائل اقتصادی در اسلام است که جلد سوم تا ششم کتاب الحیات به مسائل مختلف و کلی مربوط به اقتصاد اسلامی را بیان می‌کند و از جلد هفت به بعد بخش‌هایی به بحث‌های انسانی، مذهب و روایاتی که در مسائل تربیتی و خانواده است مطرح شده و جلد نهم آن ویژگی‌های حکومت علوی و اموی را بیان کرده است.

از دیگر آثار مهم و ارزشمند استاد محمدرضا حکیمی

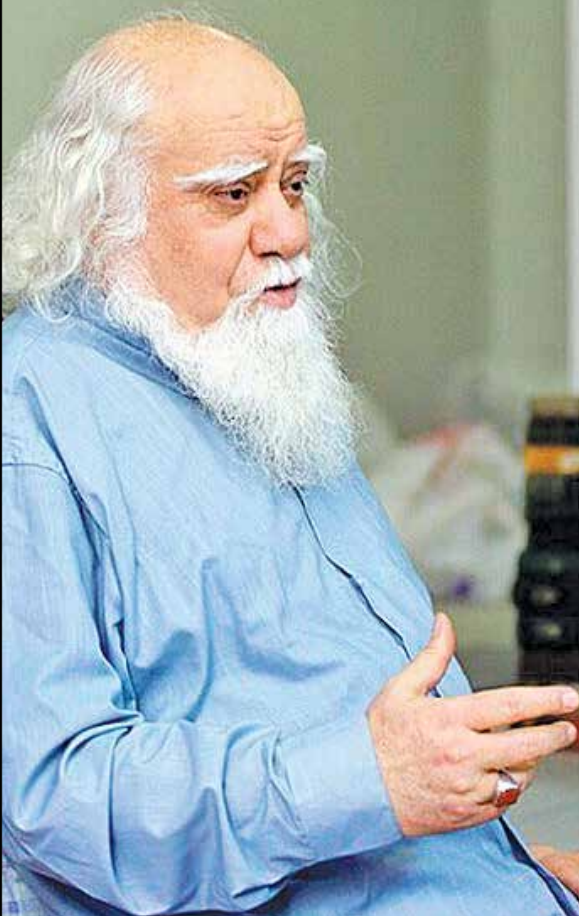
آثار استاد حکیمی نگاه مدرن و جدیدی است که در انتقال مضامینی دینی به خواننده داشت. او را باید روشنفکری مسلمان خواند که در تفسیر مسائل دینی نگاهی به روز و از سویی پیشتااز داشت. «کلام جاودانه» و «بیدارگران اقالم قبله» هم کتاب‌های دیگری بودند که جوانان علاقه‌مندان مبانی اسلامی را به خود جذب کردند که در حیطه دانشگاهی هم آثار ارزشمندی بودند. «دانش مسلمان» ایشان هم کتابی در حوزه دانش‌های اسلامی بود. از دیگر ویژگی‌های مشترک عموم کتاب‌های ایشان را می‌توان در نگاه تحقیقی استاد حکیمی دانست. این اواخر هم کتابی «الحیاء» ایشان منتشر شده بود که آن را بسیار مفصل و به زبان عربی نوشته است؛ زنده یاد احمد آرام تا وقتی هنوز در قید حیات بود آن را ترجمه کرد. استاد حکیمی ادبیات عرب را به مراتب حتی بیشتر از ادبیات خودمان می‌شناخت آنچنان که مجموعه شعری به‌نام «ساحل خورشید» از ایشان به یادگار مانده که مصداقی از همین گفته است. این کتاب دربردارنده اشعاری به فارسی و عربی است؛ اشعار فارسی این دفتر شعر اغلب در وزن کلاسیک و برخی هم نیمایی هستند.

در پایان کتاب هم چند قصیده به عربی و سبک اشعار شاعران بزرگ عرب خودنمایی می‌کند. استاد حکیمی سبک خاصی از زندگی را بر خود برگزیده بود؛ یک حکیم عارف مسلک بود که به لذت‌های دنیوی پشت پا زده بود. هرگز به‌دنبال کسب هیچ مقام و منصب برنیامد. حتی ازدواج هم نکرد. اهل مراوده با کسی نبود، آن چند مرتبه‌ای هم که برای من فرصت دیداری حاصل شد در منزل زنده‌یاد علی باقرزاده در مشهد بود. بسیار به مشهد سفر می‌کرد؛ آنچنان که چند مرتبه‌ای در حرم امام رضا(ع) او را با آن عباى اغلب سفیدش دیدم که با محاسن روحانی‌اش جلوه‌ای متفاوت به او می‌بخشید. من و برخی همسکاران بارها برای جلب نظرش تلاش کردیم تا بلکه اجازه برگزاری مراسم گرامیداشت یا تألیف کتابی درباره‌اش را بگیریم. اما هرگز اجازه نداد. حالا که استاد حکیمی رفته امیدوارم برای معرفی او تلاش شود و از سویی نوشته‌های ارزشمند وی بررسی شوند. امیدوارم دوستداران این عارف بزرگ اسلامی برای شناساندن شخصیت ممتازش کاری کنند.

علامه محمدرضا حکیمی نویسنده و متفکر

بزرگ ایرانی چشم از جهان فرو بست

سیمای سید عدالت



علامه محمدرضا حکیمی اسلام شناس، ادیب و دانشمند اندیشه‌ورز شامگاه یکشنبه ۳۱ مرداد ماه به‌علت عوارض ناشی از کرونا و کویلت‌سن دیده از جهان فروبست. او که در ماههای اخیر به‌علت ابتلا به کرونا نیز به‌دلیل ضعف جسمانی ناشی از این بیماری تحت مراقبت پزشکی بود، در ساعت ۱۲:۳۰ دقیقه آخرین شب مرداد درود حیات گفت. وزیر فرهنگ ارشاد اسلامی و وزیر پیشنهادهی فرهنگ و ارشاد اسلامی و بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی و دینی ضایعه وفقدان درگذشت این عالم گرانقدر را در پیام‌هایی تسلیت گفتند.

علامه محمدرضا حکیمی پیرمرد رش و موسفیدی که هاله‌ای از مهربانی تا پایان عمر بر چهره‌اش می‌درخشید، یکشنبه ۳۱ مرداد و در ۸۶ سالگی برای ابد چشم از جهان فروبست. او متولد ۱۴ فروردین ۱۳۱۴ شمسی (۱۳۵۴ قمری) در مشهد بود و سال ۱۳۴۰ تحصیلات خود را آغاز کرد و شش سال بعد از این تاریخ وارد حوزه علمیه خراسان شد و ۲۰ سال از عمر خود را در آن به تحصیل دروس مقدمات و سطح، خارج، فلسفه، ادبیات عرب، نجوم و تقویم گذراند.

در سال ۱۳۲۶ در حالی که نوجوانی ۱۲ ساله بود، به‌جهت عشق و علاقه‌ای که به طبلگی و تحصیل علوم دینی در دل داشت و با تشویق نزدیکان خود برای تحصیل به مدرسه نواب مشهد مقدس وارد شد که در آن زمان یکی از مدراس مهم و پررونق حوزه خراسان بود. با راهنمایی مکتبی و مسئول وقت مدرسه آیت‌الله میرزا علی اکبر نوقانی (متوفی ۱۳۲۰ ق) املته و شرح آن را نزد سید جعفر سیدان خراسانی و بقیه مقدمات را نزد حاج سید عباس سیدان خراسانی فراگرفت، سپس کتاب‌های درسی «سیوطی»، «معنی»، «حاشیه» و «مطول» را نزد آقا شیخ رحمت‌الله شاکری اصفهانی، آقا میرزا محمد اشکذری (متوفی ۱۳۵۳ ش) آموخت و هم‌زمان آموخته‌های خود را برای طلاب مبتدی تدریس می‌کرد.

پس از این دوره، با تشویق حاج شیخ محمد رضا خلیل الواعظین (متوفی ۱۳۴۸ ش) از دوستان حکیمی که باهم کتاب «رهبر خرد» را مباحثه می‌کردند، به‌حلقه درس ادیب‌ثانی مرحوم آقا شیخ محمد تقی ادیب‌نیشابوری (متوفی ۱۳۵۵ ش) در مدرسه خیرات‌خان مشهد حاضر شد و از آن‌و آنچه که پیش از آن از علوم ادبی فرا گرفته بود بدون وقفه در مدت دوسال دوره کرد و ادبیات عالی، بلاغت و عروض و قافیه را نزد ایشان فراگرفت و تمامی درس‌ها و آموخته‌های این دوره را به‌طور کامل یادداشت کرد. او علاوه بر آن برای شاگردان و هم‌دوره‌های خود که یا متوجه مطالب نشده و یا موقع پرس در سر حاضر نبودند درس استاد را توضیح می‌داد و شعر و بارگومی می‌کرد. همنشینی و هم‌صحبتی حکیمی با ادیب نیشابوری، باعث شد که ذوق ادبی او تقویت شود و به ادبیاتی پرمایه و غنی دست یابد.

علامه حکیمی کتاب‌های «شرح لمعه»، «وقائین»، «از حداث میرزا احمد مدرس یزدی خراسانی فراگرفت. اصول سطح و مقداری از خارج اصول را از محضر حاج شیخ هاشم قزوینی (متوفی ۱۳۳۹ ش) و دو جلد «کفایة الاصول» و مقداری از خارج فقه را نزد حاج شیخ مجتبی قزوینی (متوفی ۱۳۴۶ ش) آموخت و پاره‌ای از این درس را تقریر کرد. حکیم مدت ده سال بدون وقفه در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله اعظمی سید محمدصادی میلانی (۱۲۷۳ تا ۱۳۵۴ ش) حاضر شد و تقریرات درس او را به‌طور کامل و مرتب نوشت. با آنکه از کم‌سن و سال ترین شاگردان درس بود، مورد عنایت خاص آیت‌الله میلانی قرار گرفت و از شاگردان ممتاز و ویژه او به‌شمار می‌رفت. علامه حکیمی در کنار فراگیری دروس سطح و خارج فقه و اصول، کتاب‌های «شرح یاب حادی عشر» و «شرح تجرید» را نزد آقا شیخ عبدالنبی گجوری (متوفی ۱۲۹۱ ق) و شرح منظومه مسبزواری (در محضر آقا شیخ غلامحسین معجمی یادگرفته‌ای (متوفی ۱۳۳۳ ش) فراگرفت و هم‌زمان با خواندن این کتاب‌ها سایر کتاب‌های منطق و فلسفه و کلام را مطالعه می‌نمود تا آن‌گاه که به‌مدرس حاج شیخ مجتبی قزوینی رایافت.

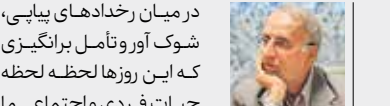
حکیمی مدت ۱۲ سال از کتاب‌های «منظومه»، «تأثیر اشارات ابن سینا» و سپس «اسفار» را در حدّ اعلا و کامل با مقداری از علوم غریبه، نه‌ج‌ش حاج شیخ مجتبی قزوینی آموخت. بعضی «ختم‌واتهمه» و «مقامات علم‌رمل» و «وافاق الکتائبه» را از محضر حاج سید ابوالحسن حافظیان (۱۲۸۲-۱۳۶۰ ش) و حاجی خان مختزلی (متوفی / حدود ۱۳۵۰ ش) و علم نجوم و تقویم احکمی را نزد آقا شیخ اسماعیل نجمی‌ان (متوفی ۱۳۵۶ ش) فراگرفت. او در ۱۳۰۳ سالگی هنگامی که علامه شیخ آقابزرگ تهرانی (متوفی ۱۳۴۸ ش) به مشهد مقدس مشرف شده بود، موفق به اجازه شفاهی نقل روایات و احادیث اهل بیت (ع) از ایشان گردید و سپس شیخ آقابزرگ از نجف اشرف در ماه ربیع‌ال‌سب ۱۳۸۳، اجازه‌ای کتبی برای آقای حکیمی نوشت و فرستاد و از این طریق بود که او نیز به‌سلسله عالمان و محدثان بزرگ اصحاب ائمه‌طاهری‌ن و حضرات معصومین (ع) متصل شد. با صدور این اجازه کتبی و ذکر لقب «الاستاد المحقق» از سوی علامه آقابزرگ تهرانی (ره) و پس از آن، «العلامة الجلیل» از طرف علامه امینی (ره) در باره او، مهر صحت بر وسعت فضل و کمالات آقای حکیمی گذاشته شد. محمدتقی ادیب نیشابوری، شیخ مجتبی قزوینی خراسانی، سید محمد‌های میلانی، احمد مدرس یزدی، اسماعیل نجمی‌ان، حاج سید ابوالحسن حافظیان و حاجی خان مخیری از مهم‌ترین استادان حکیمی بوده‌اند. حدود ۱۲ اثر محضر رضا حکیمی منتشر شده که از برجسته‌ترین آنها می‌توان به «الحیاء»، «خورشید مغرب»، «عقل سرخ»، «عاشورا و مظلومیتی مضاعف»، «شیخ آقابزرگ تهرانی»، «تفسیر آفتاب»، «فریاد روزها»، «سیدبایران»، «گزارش (برگرفته از الحیاء)» و... اشاره کرد. این علامه‌ی بیدل امروز در مشهد دریا که امام رضا(ع) به خاک سپرده می‌شود.

حکیمی بی‌تردید از نوادر زمانه ما بود. آثار او که از دانش ادبی و قلم پر تپش او بهره یافته بود در عمق بخشی و جهت‌دهی اعتقادات دینی نسل جوان، خصوصاً، در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تأثیری انکارناپذیر و ماندگار داشت.

حکیمی که از رهگذر آشنایی با جریان‌های فکری روزگار خود «عالم به زمان» خود بود، کوشید تا ضلوع اعتقادی شیعی را به صورتی منسجم در کنار

هم نهاد تا به‌صورت مکتبی عقلانی و الهی و انسانی، منشأ و

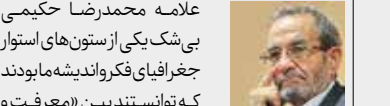
حیات در عدالت است



دکتر هادی خانبگی استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی

در میان رخدادهای پیاپی، شوک آور و تأمل برانگیزی که این روزها لحظه لحظه حیات فردی و اجتماعی ما را دربر گرفته است گاه یک حادثه چون فرود ناگهانی یک شهاب آسمانی تمامی ادراکات و احساسات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای من که در گذار شتابناک این ایام، به مرگ مظلومانه روزانه صدها نفر از هموطنانم در اثر بیماری کرونا و فرو ریختن آرمان‌ها، آرزوها و تلاش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همسایگان رنج‌دیده و محروم در افغانستان دارم به نوعی خو می‌گیرم، ناگاه از پا افتادن اندیشمندانی که عمری در کنارشان زیسته‌ام خبری تکان دهنده است. شب به نیمه رسیده بود که خبر پرواز آرام استاد محمدرضا حکیمی آمد؛ اندیشمندی که اگر کسی به عمق اندیشه‌ها و زوایای زندگی او به‌درستی آگاه باشد، حتی در میان همه دردها، اندوه‌ها و حسرت‌های فراگیر، غمگین و سوگوار می‌شود. حکیمی، اندیشمند منتقد نابرابری‌ها و مفسر دغدغه‌مند فقیر، در عصر ما بود، در عمر پر بارش، مدام خواند و به گفته شریعتی هرگز به دام هیچ نوع خودکامگی نیفتاد و هیچ‌گاه به آمان‌هایش پشت نکرد. متفکری یگانه و شاید

دینداری به شرط برابری



دکتر نجف‌قلی حبیبی پژوهشگر فلسفه اسلامی و استاد دانشگاه

علامه محمدرضا حکیمی بی‌شکی یکی از ستون‌های استوار جغرافیای فکر و اندیشه ما بودند که تاوانستند بین «معرفت و دانش قیما» و «مسئولیت اجتماعی دوره معاصر» جمع‌ی ایجاد کنند. در واقع ایشان سعی کرده بود مسائل دینی و اسلامی را در خدمت حل بحران‌های اجتماعی و حل مسائل اجتماعی و بی‌عدالتی حاکم بر جهان به‌کار گیرد. چنانکه از زندگی و آثار علمی به‌جا مانده از او برمی‌آید ایشان بیش از هر چیزی به «عدالت» اهمیت می‌داد و زندگی شایسته را در سایه عدالت قابل تحقق می‌دانست. در واقع زندگی اجتماعی را در پرتو عدالت محقق می‌دید. عدالت منظومه فکری علامه حکیمی دو مفهوم «زندگی» و «عدالت» و شأن ویژه‌ای داشت؛ از همین رو است که مهمترین اثر خود را «الحیات» نام گذاشت یعنی: «زندگی» و در آن از سخنان و سیره امام حسین(ع) بهره گرفت که ایشان می‌فرمایند: اِنَّ الحَیةَ عَقِیدَةُ وَجْهٍ؛ «زندگی عقیده است و جهاد»، و خود علامه حکیمی نیز چنین عمل کرد و چنین زیست با این عقیده که انسان‌ها همه شایسته آمایش و رفاه هستند که باید این امر در سایه عدالت اجتماعی تحقق یابد. با وجود این او خود همیشه زندگی ساده و حتی می‌توان گفت سختی داشت. علامه محمدرضا حکیمی «عدالت» و «آمایش» را امری مهم می‌دانست که در سنت اسلامی مادر قالب «عدالت اجتماعی» تأکیدات بسیاری بر آن شده است و اساساً «زکات» در اسلام به همین منظور مقرر شده است. از آنجا که افراد در یک جامعه به دلایل مختلف تهیدستی می‌شوند وظیفه جامعه است که نیاز آنان را برطرف کند و به این منظور اسلام «زکات» را مقرر کرده

توحید در آسمان، عدل در زمین



دکتر رضا برنکار مترجم، مؤلف و پژوهشگر حوزه دین

مقام معظم رهبری، در پیامی که دیروز صبح برای درگذشت استاد محمدرضا حکیمی فرستادند از ایشان با عنوان «دانشمند جامع» یاد کردند. واقعیت این است که استاد حکیمی دانشمندی تک‌بعدی نبود و اسلام‌شناسی در ابعاد مختلف فقهی، الهیاتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی به شمار می‌آمد. مهمترین ویژگی‌های خاصه‌های فکری ایشان را می‌توان در پنج مؤلفه دسته‌بندی کرد:

۱ نخستین و مهمترین ویژگی ایشان، عشق به قرآن و اهل بیت(ع) بود. به‌طوری‌که تمام عمر خود را مصروف معرفی معارف قرآن و اهل بیت(ع) به جوانان و تذکر پیوسته به علمای حوزه و دانشگاه به لزوم بهره‌گیری از معارف قرآن و سنت بیت(ع) کردند و در این راه، آثار ارزشمندی را از خود بر جای گذاشتند. به‌رغم ایشان، برای فهم قرآن و روایات تنها باید به قرآن و روایات مراجعه کرد، مرحوم حکیمی اساساً، با تفسیر به رأی قرآن مخالف بود و اسم نگرش خود را «مکتب تفکیک» گذاشته بود.

۲ ویژگی دیگر استاد حکیمی عدالت‌خواهی ایشان بود؛ همان‌طور که در پیام مقام معظم رهبری هم آمده بود و

ایشان را «اسلام شناسی عدالت‌خواه» معرفی کردند. استاد حکیمی معتقد بود که عدالت یکی از ارکان معارف و سنت است. ایشان عدالت را نه‌از افکار سوسیالیستی که از معارف کتاب و سنت درک کرده بود و عدالت را به مثابه یک رکن قلمداد می‌کرد. همانگونه که در اصول دین، پس از توحید، دومین اصل «عدالت» است. در این راستا، ایشان در نامه‌اش به فیدل کاسترو می‌نویسد: «ما دواصل اساسی داریم؛ توحید که خدا را تنبیین می‌

مولد حرکت اجتماعی و سیاسی گردد. او در عین نوآوری هرگز از مبادی و مبانی اسلامی و شیعی فاصله نگرفت و انحراف پیدا نکرد. حکیمی را با شجاعت و صداقت و غیرتی که داشت بی‌گمان باید از مشعلداران و منادیان دعوت به انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) دانست. حساسیت و تکیه و تأکید او بر عنصر عدالت بویژه «عدالت اقتصادی» او را در میان متفکران اسلامی و مصلحان اجتماعی ممتاز ساخته بود. حکیمی به اعتبار آثارش زنده‌است و آنچه در فقدان تأسف بازمی‌آید تسلی است همین آثار فراوان و سودمند او است که در دست ما است. برای اواز درگاه خداوند کریم علو درجات طلب می‌کنیم. درگذشت استاد گرانقدر محمدرضا حکیمی را به بازماندگان و دوستان و ارادتمندان ایشان تسلیت می‌گویم.

تکرار نشدنی بود، که از زاویه عدالت، به تاریخ، جامعه و

خویشتن می‌نگریست و سرسراز با هیچ نوعی از قدرت، ثروت و منزلت نداشت. از روزی که «سرود جهش‌ها» و «فریاد روزها» را نوشت تا روزی که تمامی همک خود را بر پیراستن چهره دین از آلودگی به قدرت و ثروت نهاد، با اندیشه شورآفرین و زبان تأثیرگذار خویش، جوانان را به فهم خودکامگی و نابرابری و نآزآزادی فراخواند و به ایستادگی دعوت کرد و مجموعه ماندگار «الحیاء» را در دو دوره شش جلدی تدوین و تنظیم کرد. حکیمی، به یک چیز اندیشید و به یک راه رفت: جست وجو برای عدالت، ستیز با فقر و زندگی در نهایت وارستگی و دوری از وابستگی به هرگونه و هر سطحی از قدرت و منزلت. او صرفاً به نجات انسان محروم، آن هم از پایگاه دین اندیشید و در هیچ مقطعی از عمر نه به سوی عافیت رفت و نه دست از نقد و حتی اعتراض برداشت. شاهکار حکیمی، زندگی‌اش بود چون همانگونه زیست که می‌اندیشید و می‌گفت. او هم با خویش و هم با دیگری همانگونه بود که در آرمان‌ها، گفته‌ها و در اندیشه‌هایش به زیان می‌آورد. حکیمی، بحق، از جمله نوادر دوران ما است که هر که صاحب دغدغه و درد و اندیشه است چه با او موافق و چه مخالف باشد، نمی‌تواند او را نادیده بگیرد؛ چون سر مشقی است در آرم‌ان‌گرایی، عدالت‌جویی، اصلاح‌طلبی و گشوده ذهنی.

است تا افراد تهیدست جامعه نیازهایشان برطرف شود و هیچ

کسی در جامعه اسلامی نیازمند نماند و این نیازمندی هم باید مطابق نیاز افراد و بر اساس نشان‌شان از طریق زکات در اسلام تأمین شود. به این اعتبار می‌توان گفت که دید علامه حکیمی به عدالت اجتماعی مبتنی بر آیات و روایات، دید بسیار گسترده‌ای بود و در کتاب‌هایش هم سعی داشت این عواطف انسانی را زنده کند. به این معنا که معتقد بود انسان‌ها به‌هم پیوسته‌اند و آسایش یکی به آسایش دیگری وابسته است. بنابراین آسایش جمعی انسان‌ها برای ایشان ملاک بود و تلاش می‌کرد این امر در سایه تربیت اجتماعی محقق کند. از آنجا که رکن رکن اندیشه علامه حکیمی مسأله «عدالت اجتماعی» است او کوشش می‌کند که آن را از چند طریق به‌مرحله تحقق نزدیک‌تر کند؛ به عنوان مثال سعی می‌کند احادیث اسلامی و مبانی دینی را شرح دهد و آنها را از تحریف‌های تاریخی پاک نماید و از این طریق جامعه را به عدالت اجتماعی وفاق دهد. در چند جای دیگر بر آن تأکید شده است. به همین دلیل شخصیت‌هایی چون علامه حکیمی در تاریخ ارزش ویژه‌ای دارند چون توانسته‌اند «احساس مشترک انسانی» را توضیح دهند و از این طریق تأثیرات عمیقی بر تفکر جامعه‌مادر سال‌های اخیر گذاشته‌اند. ایشان به درستی معتقد بود وقتی در جامعه‌ای نیازهای معیشتی پررنگ شود معنویت در حاشیه قرار می‌گیرد از این رو سعی داشت توجه‌ها را به «عدالت اجتماعی» معطوف کند و اولویت آن را در نظر اسلام و دین و شریعت مورد تأکید قرار دهد. ایشان آگاه به این امر بود که اگر زندگی انسان در چند جایزای معیشتی و خواسته‌های اقتصادی تنزل پیدا کند برای انسان و جامعه خطرناک خواهد شد بنابراین تمام تلاش او این بود که جامعه به این نقطه از تنزل نیاز نماند. رسد. بنابراین تلاش ایشان تلاش مبارکی بود هر چند که چندان که در شأن او بود به ایشان توجه‌شد. روحشان قرین رحمت الهی باد.

کند و عدالت که ارتباط انسان‌ها با هم را». معمولاً در بحث‌های اعتقادی، به عدل خداوند پرداخته و بسنده می‌شود اما آنچه عدالت در اندیشه استاد حکیمی را متمایز می‌کند دغدغه‌مندی ایشان در خصوص عدالت اجتماعی است. او عدل اجتماعی و عدل میان انسان‌ها در جامعه را اندکی استوار از عدالت الهی می‌دانست و معتقد بود که اگر عدالت در جامعه رخ ندهد، انسان‌ها به رشد و تعالی نمی‌رسند؛ به تعبیری، عدالت را بستر برای جامعه‌سازی مطلوب قلمداد می‌کرد. انتقاداتی که ایشان از وضعیت جهان و ایران داشت، بیشتر در زمینه فقرزدایی بود. معتقد بود که مسئولان و مردم باید تمام همت‌شان را در این مسیر قرار دهند.

۳ سومین ویژگی استاد حکیمی انقلابی بودن ایشان بود. علامه حکیمی، از نخستین کسانی بودند که به انقلاب پیوست و با امام خمینی (ره) بیعت کرد و حتی بعد از اینکه امام(ره) به ترکیه و نجف تبعید شد، مدتی به نجف رفت و در محضر ایشان تلمذ کرد. از دوستان قدیمی مقام معظم رهبری هم بودند که ایشان در پیامی که برای درگذشت این علامه ارسال کردند از او با عنوان «رفیق دیرین» یاد کرده‌اند.

۴ ویژگی دیگر استاد حکیمی تسلط بر زبان عربی و فارسی و بهره‌مندی از قلمی شیوا و تأثیرگذار بود و این قلم با دقت

رأی‌رایی ترویج معارف و سنت و تحلیل از زیرگانی که در این مسیر حرکت کردند، بکار گرفت.

۵ آخرین ویژگی، عملگرایی ایشان بود. استاد حکیمی به واقع براساس آنچه می‌اندیشید، زندگی می‌کرد؛ به این معنا که وقتی از فقرزدایی، عدالت، ساده زیستی و... صحبت می‌کرد، خود به عینه این دغدغه‌ها را در زندگی لحاظ می‌کرد و فردی بسیار زاهد و ساده زیست بود. ۸۶ سال سعی می‌کرد به سمت تجمل‌گرایی نرود و بحق برای ماندن در مسیر ساده‌زیستی کار و مجاهدت کند. خداوند روح ایشان را قرین رحمت کند.